
قبیله لیلی

مجموعه ای از ترانه های ماندگار

عباس مهرپویا

گردآورنده: مسعود زرگر



عباس مهرپویا (۱۳۷۱ - ۱۳۸۶)

عنوان و نا پدیدار آو سبیلۃ لیلی / مسعود زرگر.

مشخصات نشر: ران: ما ریسر ۱۳۹۶.

شابک: ۹۷۸-۶۰-۵۰۷۷۵-۱-۲

موضوع: ترانه های ایرا ق- ۱۴- مسرعه ها

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۰۴۱۳۹۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۴۳۱۹۱



کتابخانه

مجموعه از ترانه های ماندگار

گردآورنده: مسعود زرگر

ناشر: انتشارات - اهریس

طراح جلد: سعید صافی

لیتوگرافی: اختر

چاپ متن: غزل | صفحه: ۱۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۶ | بار دوم: ۱۴۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

دفتر انتشارات

میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، تهران | پلاک ۲۶، واحد ۵

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۸۲۱۵۰

www.nashremahris.com

@nashremahris



@ketabfarhang



آنچه می خوانید

۹	سخن ناشر
۱۱	سخن گردآورنده
۱۳	عباس مهرپویا
۱۵	عباس مهرپویا
۱۹	گفتگو با عباس مهرپویا در دهه ۱۳۸۰
۲۳	عباس مهرپویا، یا همان عباس آقای سینما ایران
۲۷	تواز قبیلۀ لیلی، من از قبیلۀ مجنون
۲۹	لیست الفبایی ترانه های عباس مهرپویا
۳۱	ترانه ها
۷۵	نمایه ها
۷۷	تصویرها و نت ها

سخن‌گرد آورنده

«جناب عشق بلند است همتی باید»

یک ملت، با فرهنگ غنی چند هزار ساله، چه راه درازی را باید طی کرده باشد تا صاحب گنجینه‌ای غنی از شعر و موسیقی و تراثه شود؟ گنجینه‌ای که بارها دستخوش حوادثی بس دهشتناک از حمله‌ها و تهاجم‌های مختلف به این فرهنگ بوده، یا زمانی که مورد حمله‌های بیرونی قرار نگرفته، با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مختلف مواجه گشته. اکنون سؤال این است: پس از طی این مسیر پرفراز و نشیب، تکلیف بخش بازمانه؛ از این گنجینه بر باد رفته برای تحقیق و مطالعه چیست؟ چگونه می‌توان به این گنجینه زخم خورده و ناقص، دسترسی پیدا کرد؟ انتقال آن به نسل‌های بعدی چه می‌شود؟ چرا در کشورمان هنوز یک موزه آثار صوتی وجود ندارد؟ کی و کجا و چگونه باید این موزه راه اندازی شود؟ وظیفه مسئولان و مدیران فرهنگی کشور در این مورد چیست؟ چه اقدامی تاکنون برای این مهم شده است؟

پس از گذشت ۱۰۰ - ۱۰۱ سال، فئوگراف‌های ما کجا هستند؟ ۴۰۰-۵۰۰ هزار صفحه گرامافون تولید شده (چه در خارج از کشور و چه در داخل)، ریل‌های ضبط شده در استودیوهای مختلف و همچنین کاست‌های قدیمی ۵۰-۶۰ ساله اخیر، تبیین‌شان چه می‌شود؟...

من نمی‌دانم تکلیف این گنجینه چه می‌شود، اما به شکل پراکنده، شنیده یا خوانده‌ایم که قرار است موزه‌ای تأسیس شود، یا به صورت فردی، هر کس با همت، ذوق و میزان علاقه‌مندی خود، دست به گردآوری چنین مجموعه‌ای زده است، به راستی مگر چه تعداد انسان پاکباخته همچون جناب آقای محمدرضا درویشی در کشور وجود دارد که بیش از بیست سال تمام وقت و انرژی و سرمایه شخصی خود را صرف جمع‌آوری و تدوین موسیقی نهفته در سینه نسل‌های قدیم کند تا شاید قدمی باشد برای جلوگیری از نابود شدن بخشی از این گنجینه موسیقی نواحی، فولکلور و...

یا شنیده‌ایم که: خانه موسیقی، برای جمع‌آوری آثار صوتی موسیقی ایران تلاش کرده و می‌کند، یا مرحوم مهندس گلشن ابراهیمی یکی از بزرگترین مجموعه داران آثار صوتی موسیقی... ولی اکنون معلوم نیست تکلیف این مجموعه چه شده است...

همانطور که اشاره شد، تلاش‌هایی صورت گرفته، اما همه اینها به تنهایی کافی نیست. خلاصه بسیار عمیق‌تر از این گونه تلاش‌هاست که به شکل فردی بتوان مشکلی را حل کرد و این مهم احتیاج به یک تصمیم کلان ملی دارد. تصمیمی همه جانبه، جدی، مستمر و ریشه‌ای.

گاهی با خود فکر کرده‌ام اگر بپذیریم که موسیقی یکی از شاخص‌های اصلی و مهم فرهنگ هر ملتی است، و اگر تلاش و کوششی در جهت حفظ این گنجینه غنی نشود، قطعاً زخمی جانکاه و بدون بهبودی بر بخش مهمی از فرهنگ این ملت می‌نشیند - که نشسته است - پس دیگر چگونه می‌توان در داخل کشور و

در مجامع جهانی از ایران به عنوان ملتی با فرهنگ، با غنای معنوی چند هزار ساله سخن به میان آورد؟ اما در کنار جمع آوری آثار صوتی موسیقی - همه انواع آن - به موضوع بیمارگونه تحقیق در حوزه موسیقی باید اشاره کرد که به دلیل «گسترده‌گی و ارتباط تصنیف و ترانه با موسیقی، این موضوع همیشه با ابهام‌های زیادی روبرو بوده است. ابهام از این نظر که چون مرتبط با موسیقی بوده و موسیقی هم در ایران به دلیل انتقال سینه به سینه و نبود روشی علمی برای ثبت و مکتوب کردن آن و وابستگی آن در دوره‌های خاص به حاکمان و درباریان - با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها و استفاده خواص از آن، و پراکندگی موسیقی و ترانه‌های عامیانه در میان مردمی با سرزمینی پهناور و تاریخی گسترده، همیشه برای تحقیق با مشکلاتی همراه بوده ولی با وجود همین ابهام‌ها و مشکل کردن کار تحقیق، تا کنون تحقیقاتی صورت گرفته ولی همچنان این موضوع، تحقیقات گسترده‌تری را طلب می‌کند.»* تحقیقی هم سنگ تاریخ گسترده و پرفراز و نشیب ملی به ثبت، تحقیقی همه جانبه، با تصمیمی کلان و همتی والا در حد و اندازه‌ای در قالب یک پروژه ملی.

متعاقب همین اساس فراوان نسبت به موضوع و تلاش و دلسوزی دیگران در این راه، نگارنده نیز به سهم خود، با اعتقاد راسخ به ضرورت جمع آوری ترانه‌ها و از بین بردن خلأ صدها ساله ترانه‌های بی‌شناسنامه، نزدیک به بیست سال است که در حال جمع آوری ترانه‌هاست. از سنتی و پاپ و کوچه‌بازاری تا ترانه‌های ملی و محلی و فولکلور و ترانه‌های کودکان و... در دوره‌های مختلف تاریخی، سیاسی و اجتماعی، با انواع ترانه‌های عاشقانه، ترانه‌های عروسی، ترانه‌های کار، سرودها، ترانه‌های بازی، ترانه‌های لالایی و...

شاید جمع آوری، مکتوب کردن و شناسنامه دار کردن نصف هزار ترانه از بین صدها هزار ترانه کاری دشوار باشد، اما به طور قطع، جمع آوری، مکتوب کردن و شناسنامه دار کردن تمامی صدها هزار ترانه - بدون هیچگونه پشتوانه و حمایتی - کاری بس دشوارتر و طاقت‌فرسا است. کاری که تا کنون نگارنده انجام داده است؛ جمع آوری بیش از یکصد هزار ترانه و مکتوب کردن آن‌ها در قالب صدها جلد کتاب (که امید است با توجه به مشکلات فرا راه به مرور، این مجموعه چاپ شود) به مراتب کاری دشوارتر و طاقت فرساتر است، اما به همان نسبت شیرین و لذت‌بخش است.

سخن قبل از آخر: کتاب پیش رو، نهایت آرزو و ایده آل ما نیست، قطعاً چنین کتابی با چنین موضوعی، نیازمند دست یاری خوانندگان خود است.

سخن آخر: در چاپ‌ها و جلد‌های بعدی این مجموعه.

با آرزوی شادکامی
مسعود زرگر
زمستان ۱۳۸۳

*. به نقل از کتاب «داجودانه‌ها (۱)»، پانصد ترانه و تصنیف خاطره‌انگیز به انضمام سرودها، ترانه‌های محلی و لالایی‌ها، گردآورنده: مسعود زرگر، نشر آتنا، چاپ پنجم، ۱۳۸۳، ۸۱۸ صفحه.